

## «نامه مردم» بر روی شبکه جهانی ارتباطات کامپیوتری



<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

صفحه حزب توده ایران بر روی شبکه جهانی ارتباطات کامپیوتری (Internet) آغاز به کار کرد. از این پس علاقمندان به «نامه مردم» در سراسر جهان از جمله ایران می توانند آخرین شماره روزنامه را به همراه مطالب دیگر در صفحه حزب توده ایران ببینند. افزون بر «نامه مردم» نشریه انگلیسی زبان «توده نیوز» ارگان شعبه روابط بین الملل حزب را نیز می توان در این صفحه ملاحظه کرد.

آدرس صفحه حزب:

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هشتم، سال دوازدهم  
شماره ۲۷۶، ۷ فروردین ۱۳۷۵

### مقاله رسیده از ایران

## تضاد میان رژیم «ولایت فقیه» و

## تکنولوژی اطلاعاتی

بر اساس تبلیغات روزانه رژیم ولایت فقیه، ایران کشوری است که توانسته در حد کمال از تکنولوژی های مدرن عصر حاضر بهره برداری کند و آنها را در جهت رفاه و منافع مردم ایران به کار گیرد. روزی نیست که روزنامه ها و رادیو تلویزیون گزارشی از بازدید رئیس جمهور رفسنجانی و یا خامنه ای از این یا آن مرکز فنی را پخش نکنند. البته در اقتصاد ناهنجار و یا بهتر بگوییم ناقص الخلقه ایران، به صورت پراکنده می توان آثاری از بعضی تکنولوژی های مدرن را یافت، مخصوصا اگر تکنولوژی مورد نظر بتواند منبع سود سرشاری برای تجار بزرگ و یا جیره خواران درون رژیم باشد. تبلیغات کر کننده رژیم همیشه در راستای به وجود آوردن چیزی است که می توان آن را «سراب تکنولوژی مدرن» در ایران نامید. برای مثال چند سال پیش با هیاهوی بسیار و در حضور اعضای عالیرتبه

## تروریسم، صلح در خاورمیانه و نظم نوین جهانی

گردهمایی رهبران ۲۹ کشور جهان در شرم الشيخ مصر، در رأس شبه جزیره سینا، پس از ۴ ساعت بحث و گفتگو و تصویب یک بیانیه مشترک در حمایت از روند صلح و محکوم کردن اعمال تروریستی و تدوین یک برنامه عملی برای جلوگیری از ضربات تروریستی به مواضع اسرائیل به کار خود پایان داد. یکی از جنبه های قابل توجه این گردهمایی هماهنگی رهبران ایالات متحده، اسرائیل، کشورهای عربی شامل مصر، اردن، فلسطین، عربستان سعودی و قطر، رهبران کشورهای اتحادیه اروپا، بوریس یلتسین، رئیس جمهور روسیه و نیز رئیس جمهور ترکیه بود. موفقیت ایالات متحده در گرد آوردن رهبران کشورهای مزبور و متقاعد ساختن آنها به قبول دستور کار گردهمایی با توجه به اختلاف نظرات و برداشت های این کشورها، از دستاوردهای اصلی کنفرانس «سازندگان صلح» در جهت اعمال نظم نوین جهانی در منطقه خاورمیانه می باشد.

کنفرانس مقرر داشت که برای پیگیری پیشرفت در امر استفاده مشترک از منابع اطلاعاتی به منظور زیر ضربه گذاشتن منابع مالی مورد استفاده شبکه های تروریستی، در طی دو هفته یک سری جلسات برگزار شود و در ماه آینده گزارش این اقدامات منتشر شود. بیل کلینتون پس از گردهمایی به اسرائیل مسافرت کرد. منظور او از این سفر، نشان دادن حمایت ایالات متحده از شیمون پرز و پروسه صلح خاورمیانه بود. کلینتون همچنین از رئیس سازمان سیا خواست که در اسرائیل بماند و عملیات ضد تروریستی را هماهنگ کند. اظهارات کلینتون و دیگر رهبران حاضر در کنفرانس این مساله را که دلیل عمده برگزاری این گردهمایی نمایش همبستگی آنان با دولت شیمون پرز و تقویت موضع او و طرفداران ادامه روند صلح کنونی در مقابل صهیونیست های افراطی حزب لیکود بود، مشخص می کند.

گرچه صهیونیست های افراطی در ایالات متحده و اسرائیل و

ادامه در ص ۸

ایران در سالی که گذشت:

## از تشدید درگیری ها در درون حاکمیت تا پنجمین دوره «انتخابات» مجلس

به جای پیشگفتار

سال ۱۳۷۴ به پایان رسید و سالی دیگر بر رنج نامه زندگی مردم ما زیر سایه شوم رژیم «ولایت فقیه» افزوده شد. سالی که گذشت سالی پر تحول و پراز رویدادهایی بود که مهر و نشان خود را بر روند تحولات آنی کشور بر جای خواهد گذاشت. سال ۱۳۷۴، سال اوج گیری بحران مالی - اقتصادی رژیم بود و دولت ورشکسته جمهوری اسلامی خود را در شرایطی یافت که ناچار تمامی برنامه اقتصادی خود را به «آب افکند» و سیاست هایی را اتخاذ کرد که خود در گذشته ای نه چندان دور مخرب و محدود کننده خوانده بود.

از غیر قانونی کردن خرید و فروش ارز، و برقراری سیستم چند نرخ ارز (نرخ دولتی، نرخ بازار سیاه و...) تا محدود کردن ورود کالاهای خارجی به ایران همگی از جمله سیاست هایی بودند که دولت رفسنجانی و حاکمیت جمهوری اسلامی زیر عنوان سیاست «تعدیل اقتصادی» و به پیشنهاد صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نفی کرده بودند و به جای آنها سیاست «تک نرخ کردن ارز»، و گشودن دروازه های کشور بر روی مواد

ادامه در ص ۴ و ۵

ادامه در ص ۶

### قرار بازداشت بین المللی فلاحیان صادر شد!

در ص ۳

### یاد جنبش ۲ بهمن و رهبران خلق کرد: قاضی محمد و یاران گرامی باد!

در ص ۵

## زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!



**«انتخابات» نیمی از کرسی های مجلس به دور دوم کشیده شد**

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ۱۳۹ نماینده از ۱۱۶ حوزه انتخابیه به پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافتند و کار انتخاب ۱۳۱ نماینده از ۸۰ حوزه به مرحله دوم «انتخابات» کشیده شد. در تهران از ۳۰ نماینده تنها دو نفر، یعنی علی اکبر ناطق نوری و فائزه هاشمی بهرمانی (دختر هاشمی رفسنجانی) در مرحله نخست انتخاب شدند. نفراول تهران یعنی علی اکبر ناطق نوری تنها با ۸۷۹ هزار رای از کل تعداد آرای ۲ میلیون ۴۴۴ هزار رای، یعنی کمتر از ۳۶٪ آرا به نمایندگی تهران «انتخاب» شد. پس از اعلام نتایج شمارش آراء در تهران و حوزه های انتخابیه گوناگون، دو گروه اصلی درگیر در «انتخابات»، گروه رسالت و گروه «خدمتگزاران سازندگی» هر دو مدعی پیروزی در «انتخابات» شدند. در همین رابطه باهنر از اعضای رهبری گروه رسالت در یک مصاحبه مطبوعاتی ادعا کرد که ۷۰٪ از نمایندگان «انتخاب» شده از جناح آنان می باشند. بر اساس همین گزارش ها نمایندگان سرشناس سازمان «مجاهدین انقلاب اسلامی» (بهزاد نبوی و محمد سلامتی) آرای زیادی به دست نیاوردند و به ترتیب در رده چهل و یکم و پنجاه و سوم تهران قرار گرفتند. رژیم مدعی شد که در «انتخابات» بیش از ۲۴ میلیون نفر رای دهند شرکت کردند که این میزان ۳۲٪ بیش از تعداد شرکت کنندگان در «انتخابات» دوره قبل است.

**اخراج ۵۰۰ استاد دانشگاه آزاد**

به دستور سازمان مرکزی «دانشگاه آزاد اسلامی»، ۵۰۰ نفر از استادان این دانشگاه اخراج شدند. رییس دانشگاه مذکور در این باره گفت: «این گروه به سبب مسایل گزینشی مجبور به ترک دانشگاه شده اند». مدیرکل هیأت علمی این دانشگاه نیز در توجیه اخراج این استادان گفت که «صلاحیت این استادان مربوط به بخشنامه ای بود که قبلاً تهیه شده بود، اما بخشنامه جدید گزینش آنان را نفی می کند». هیچ یک از مسؤولان درباره مضمون این «بخشنامه جدید گزینش» سخنی بر زبان نیاوردند.

**توقیف روزنامه «سلام» در آستانه انتخابات**

دو روز قبل از برگزاری انتخابات، روزنامه «سلام» به مدت ۴۸ ساعت توقیف شد. این روزنامه در روز ۱۹ اسفند ماه ۷۴، پس از انتشار مجدد نوشت که یک گروه مسلح در بامداد روز ۱۹ اسفند به دفتر روزنامه حمله کردند و بدون هیچ توضیحی از چاپ روزنامه جلوگیری به عمل آوردند.

به نوشته روزنامه «سلام»، محمد موسوی خویینی ها، مدیر مسؤول این روزنامه، بعداً نامه ای از دفتر دادستانی «دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم روحانیت» دریافت کرد که در آن گفته شده بود روزنامه به مدت ۴۸ ساعت توقیف خواهد بود. مسؤولان روزنامه «سلام» تنها پس از توضیح رسمی یک مقام «دادگاه رسیدگی به جرایم روحانیت» به خبرگزاری جمهوری اسلامی، از علت توقیف روزنامه مطلع شدند. خبرگزاری جمهوری اسلامی از قول مقام مذکور گفت روزنامه «سلام» به اتهام انتشار گزارش های «نادرست» در مورد حضور نمایندگان رهبر جمهوری اسلامی در جریان بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی توقیف شد. دفتر علی خامنه ای در همان روز انتشار این خبر، آن را تکذیب کرد و تهدید نمود که «بخش هرگونه شایعه در این باره مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت».

**توقیف هفته نامه «بهار»**

هفته نامه «بهار» که در اول اسفند ماه ۷۴ به جرگه مطبوعات داخل کشور پیوسته بود، پس از انتشار سه شماره برای همیشه توقیف شد. «بهار» در نخستین شماره خود نوشته بود: «اعتقاد به این که مطبوعات از

جمله نهادهای مدنی هستند که تولد و تقویت آنها می تواند به حل مشکل ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه کمک کند و نیز ستونی باشد برای استوار کردن بنای آزادی، سبب انتشار بهار شد». سرمقاله شماره اول «بهار» که به بحث «درباره آزادی» اختصاص داشت، به قلم عباس عبدی بود.

**نصف شدن قدرت خرید کارگران رسمیت یافت**

«شورای عالی کار» افزایش ۲۲/۳ درصد به متوسط دستمزد کارگران در سال ۷۵ را تصویب کرد و این در حالی است که نرخ رسمی تورم در سال جاری بیش از ۵۰ درصد اعلام شده است. بدین ترتیب، افزایش ۲۲/۳ درصدی متوسط دستمزد کارگران حتی نتوانسته است قدرت خرید فعلی آنان را حفظ کند، چه رسد به اینکه قدرت خرید آنها را نسبت به تورم پیش بینی شده افزایش دهد.

**بدهی های خارجی معوقه و کنونی رژیم**

محسن نوربخش، رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی اخیراً در یک مصاحبه مطبوعاتی در مورد بدهی های خارجی رژیم صحبت کرد. طبق گفته نوربخش، ۵۰ درصد از بدهی های معوقه کشور در سال های ۷۳ و ۷۴ پرداخت شده است که این رقم معادل ۱۵ میلیارد دلار بوده است. به گفته او، ۱۵ میلیارد دلار باقیمانده از بدهی های معوقه سال های ۷۳ و ۷۴، که مهلت پرداخت آنها گذشته است، مجدداً زمان بندی (استمهال) شد. وی اضافه کرد که علاوه بر این، ۸ میلیارد دلار بدهی دیگر نیز وجود دارد که مهلت پرداخت آنها سیری نشده است. بر این اساس، نوربخش جمع کل بدهی های خارجی کشور را ۲۳ میلیارد دلار برآورد کرد که طبق گفته او، حدود ۵/۶ میلیارد دلار آن از طی سال های ۷۵ و ۷۶ پرداخت خواهد شد.

نوربخش همچنین کل صادرات کشور در ۹ ماه اول سال ۷۴ را ۱۳/۸ میلیارد دلار اعلام کرد که به گفته او، ۲/۶ میلیارد دلار آن متعلق به صادرات غیر نفتی بوده است. او در این مصاحبه اذعان کرد که حجم صادرات غیرنفتی ایران نسبت به سال ۷۳، ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش نشان می دهد. او توضیح نداد که به این ترتیب بدهی های خارجی کشور از محل کدام درآمد پرداخت خواهد شد.

**در حاشیه انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی**

یکی از جنبه های قابل توجه معرکه انتخاباتی دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، برخورد جامعه کارگری با شعارهای انتخاباتی و معیارهای مطرح شده از سوی آن برای تعیین کاندیداهای مورد قبول خود بود. هرچند اغلب کسانی که خود را به عنوان کاندیداهای جامعه کارگری معرفی می کردند، عمدتاً در چارچوب «کارگزاران سازندگی ایران» و در حمایت از جناح رفسنجانی وارد معرکه شده بودند، اما شعارهای آنان مشخصاً بر محورهای متکی بود که با سیاست های «تعدیل اقتصادی» و «خصوصی سازی» که مسؤول اصلی اجرای آنها در طول پنج سال گذشته همین جناح رفسنجانی بوده است، هیچ همخوانی نداشت.

اسامی سه تن از کسانی که به نمایندگی از جامعه کارگری وارد معرکه انتخاباتی شده بودند - علیرضا محجوب، رییس خانه کارگر؛ ابوالقاسم سرحدی زاده، وزیر سابق کار؛ و مهندس سهیلا جلودار زاده، عضو شورای مرکزی «جمعیت زنان» و مؤسس «کانون خواهران خانه کارگر» - در تمامی لیست های انتخاباتی مشترک دیده می شد. اما به موازات این سه نفر، صداها نفر دیگر به صورت

مستقل به عنوان کاندیدای جامعه کارگری از سراسر ایران به کارزار انتخاباتی پیوسته بودند. اغلب این افراد از سوی صداها تشکل، از جمله شوراهای اسلامی کار، تعاونی های مصرف کارگری و غیره در سراسر کشور مورد پشتیبانی قرار گرفته بودند.

آنچه در این رابطه به ویژه جلب توجه می کند، خواستهای کسانی است که خود را کاندیداهای کارگری اعلام کرده بودند. همگی آنها به درجات مختلف محور عمده شعارهای انتخاباتی خود را مبارزه برای عدالت اجتماعی، مبارزه با گرانی، محو فقر از سطح جامعه، حمایت از صنایع ملی و استقلال اقتصادی، جلوگیری از واردات غیرضروری، تضمین اشتغال کامل، رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی، ارتقاء سطح رفاه عمومی، تعدیل توزیع ثروت و درآمد در سطح جامعه، کنترل نقدینگی بخشی خصوصی و... قرار داده بودند. بحث اساسی همه آنان نیز، با تکیه بر یکی از گفته های پیشین «آیت الله خمینی»، این بود که نمایندگان مجلس باید از میان کسانی باشند که «محروریت و مظلومیت مستضعفان جامعه را لمس کرده باشند و در فکر رفاه آنان باشند». اغلب آنها در تبلیغات

انتخاباتی خود بر این مسأله که از یک خانواده کارگری و محروم می آیند تأکید ورزیده بودند.

به عنوان نمونه، مهندس سرحدی زاده در یکی از سخنرانی های انتخاباتی خود «نبود نمایندگانی از سوی جامعه کارگری در مجلس چهارم را یکی از دلایل اصلی لاینحل ماندن بسیاری از مشکلات کارگران» دانست و تأکید کرد که «هشیار باشیم که این بار به نمایندگان واقعی خود رأی دهیم نه به تبلیغات و شعارهای ظاهر فریب». مهندس سهیلا جلودار زاده نیز طی سخنان خود در یک جمع کارگری اعلام کرد که برای دفاع از حقوق زنان کارگر به میدان آمده است. وی افزود که «یکی از آرزوهای دیرینه زنان کارگر تصویب قانون بانستسگی با ۲۰ سال سابقه کار بود که به علت عدم حضور نمایندگان واقعی این قشر... در مجلس تصویب نشد».

جالب اینجا است که برای جلب حمایت جامعه کارگری، جناح رفسنجانی درست چند روز پیش از انتخابات ۵۸۰۰ میلیارد ریال بودجه برای سوشیال کالاهای اساسی مورد نیاز زحمتکشان اختصاص داد.



عکسی از صحنه ترور صادق شرفکندی و یاران وی در آلمان

اضافه کرد رژیم که قادر است فاجعه ای مانند قتل عام زندانیان سیاسی را به وجود آورد و آنها را گروه گروه به جوخه اعدام بسپارد بدیهی است که طرح توطئه ترور و نابودی شخصیت ها و رهبران سازمان های سیاسی را نیز در داخل و خارج از کشور به مورد اجرا می گذارد.

تمامی این جنایات زیر نظر سازمان های اطلاعاتی غرب و اکثراً با سکوت کامل آنها به اجرا در آمده است. به عنوان نمونه بر اساس گزارش مجله آمریکایی تایم، سفارت ایران در بن یکی از مراکز اصلی سازمان دهی ترور ها و از پایگاه های عمده مأموران امنیتی رژیم است که علی رغم اعتراض های نیروهای اپوزیسیون همچنان به فعالیت های خود ادامه می دهند.

تنها راه مقابله با عملیات تروریستی رژیم در خارج از مرزهای ایران خصوصاً در کشورهای اروپایی اخراج مأموران امنیتی جمهوری اسلامی از این کشورها و یا ایجاد محدودیت های جدی برای کارگزاران و مزدوران رژیم است. بدون اقدام مشخص علیه مأموران امنیتی رژیم باید منتظر بود که در پی فروکش کردن هیاهوی تبلیغاتی پیرامون قرار بازداشت فلاحیان، رژیم جمهوری اسلامی باز به سیاست ترور و کشتار دگراندیشان و مبارزان راه آزادی در خارج از مرزهای ایران ادامه دهد.

متذکر شد که این تصمیم را نباید به بای دولت آلمان گذاشت. در تهران نیز جماعتداران رژیم («انصار حزب الله») به دعوت رسانه های گروهی از جمله روزنامه کیهان روز ۲۸ اسفندماه در مقابل سفارت آلمان دست به تظاهرات زدند که با استقبال چندانی روبرو نشد و به گزارش خبرگزاری ها تنها چندین ده تن در آن شرکت داشتند.

در شرایطی که برخورد میان دولت آلمان و رژیم جمهوری اسلامی در ابعاد کم سابقه ای گسترش یافته است، به گزارش خبرگزاری رسمی بلژیک یک کشتی جمهوری اسلامی به نام «ایران کلاه دوز» که عازم بندر مونیخ در آلمان بود، به دلیل حمل مواد منفجره توسط پلیس بلژیک توقیف و تنی چند از کارمندان آن بازداشت شدند. به گفته خبرگزاری بلژیک، مواد منفجره این کشتی در کانتینر ترشی جاسازی شده بودند.

موضوع دست داشتن سران رژیم در ترور دگراندیشان و مبارزان راه آزادی در خارج از کشور مسأله تازه ای نیست. در سال های اخیر ده ها تن از رهبران و فعالان اپوزیسیون در کشورهای اروپایی از جمله آلمان ترور شده اند. «نامه مردم» در آن زمان پس از واقعه ترور برلین نوشت که در این ترور نیز همچون ترورهای دیگر خارج از کشور ردپای سازمان اطلاعات رژیم «ولایت فقیه» دیده می شود، و

## قرار بازداشت بین المللی فلاحیان صادر شد!

دادستان کل آلمان با انتشار گزارشی، قرار بازداشت علی فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی را به جرم دست داشتن در ترور در این کشور صادر کرد.

در گزارش دادستان کل آلمان که در مطبوعات این کشور بازتاب وسیعی یافت آمده است که نتیجه تحقیقات پلیس در جریان پرونده ترور برلین و گزارشات سازمان امنیت آلمان نشان می دهد که علی فلاحیان و وزارتخانه وی عاملین اصلی این ترور در سال ۱۹۹۲ می باشند. روزنامه معروف «فرانکفورتر روندشاو» نوشت که علی فلاحیان شخصاً از تهران دستور ترور رهبران حزب دموکرات کردستان را صادر کرده است. در این ترور تعدادی از رهبران حزب دموکرات کردستان از جمله دبیر کل آن، دکتر صادق شرفکندی کشته شدند.

همچنین روزنامه از سردی روابط ایران و آلمان سخن به میان آورد و نوشت از زمان انتشار این خبر و آشکار شدن دخالت سازمان امنیت رژیم ایران، روابط دو کشور رو به تیرگی گذاشته است.

مقام های رسمی جمهوری اسلامی عکس العمل شدیدی در مقابل این اقدام دادستانی آلمان نشان دادند و دادستانی این کشور را به همکاری با «صهیونیست ها» متهم کردند. بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان، ناطق نوری رئیس مجلس این تصمیم را نادرست و غیر عادلانه خواند. و در عین حال

### اطلاعیه کمیسیون تدارک نظری چهارمین کنگره حزب توده ایران

کاری، پس از تصویب نهایی برای نظر خواهی در اختیار اعضاء و هواداران حزب قرار گیرد. رفقا و دوستان حزب که مایلند در این فاصله نظرات خود را برای طرح اولیه اسناد ارسال دارند، می توانند از آدرس های پستی «نامه مردم» و یا فاکس مرکزی حزب استفاده کنند.

بی شک شرکت فعال و وسیع رفقای حزبی هم در تدارک اسناد و سپس در تدقیق، تکمیل و تهیه نهایی آن به غنای هرچه بیشتر این اسناد یاری خواهد رساند.

کمیسیون تدارک نظری چهارمین کنگره  
حزب توده ایران - فروردین ماه ۱۳۷۵

دومین نشست کمیسیون تدارک نظری چهارمین کنگره حزب توده ایران در اسفندماه برگزار شد. در این نشست پیرامون موضوعات مهمی که می بایست در طرح اسناد کنگره: برنامه، اساسنامه و سند ارزیابی پیرامون علل فروپاشی نظام سوسیالیستی در کشورهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی گنجانده شود، بحث و تبادل نظر انجام گرفت و چارچوب های کلی تنظیم این اسناد با توافق رفقای شرکت کننده در کمیسیون تنظیم و مشخص شد.

در پی این بحث ها، سه گروه کاری برای تنظیم و تهیه اسناد انتخاب شد و مقرر گردید تا در ظرف سه ماه آتی طرح های تهیه شده از سوی گروه های

آزادی برای  
همه  
زندانیان  
سیاسی ایران

## ادامه ایران در سالی که گذشت

مصرفی خارج به عنوان «سنگ پایه» برنامه برای توسعه اقتصادی ایران اتخاذ کرده بودند.

روزنامه اطلاعات وابسته به جناح رفسنجانی در همان موقع ضمن اعتراف به این موضوع نوشت: «با تصویب آئیننامه تنظیم بازار ارز، تصمیم قاطع برای کنترل بازار کالا و تثبیت قیمت ارز در کمتر از یک هفته به اجرا درآمد زیرا افزایش بی رویه قیمت ها، در چند ماه اخیر سیاست های دولت برای تعدیل و تنظیم بازار را با دشواری های بسیاری روبرو کرده بود...» (روزنامه اطلاعات ۱ خرداد ماه ۱۳۷۴).

دولت رژیم جمهوری اسلامی ضمن هیاهوی بسیار پیرامون بستن مرزهای کشور بر روی مواد مصرفی خارجی اعلام کرد که تصمیم های قاطع برای رساندن کشور به «خود کفایی» کامل اتخاذ شده است و افزون بر این دولت مصمم است که وابستگی ارزی ایران به درآمد نفت را شدیداً کاهش دهد و در مقابل، نقش عمده ای برای صادرات غیر نفتی ایران قایل شود. در مقابل چنین هیاهوی تبلیغاتی بود که پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب ما به درستی یادآور شد: «عدم توانایی دولت در تأمین نیازهای ارزی واحد های تولیدی کشور، در سال های اخیر، چه به دلیل ورود بی رویه میلیاردها دلار کالاهای مصرفی و چه به دلیل عدم توانایی ارزی، به کاهش تولید و در نهایت بسته شدن بسیاری از واحد های کشور منجر شده است و شمار بیکاران کشور را به شکل چشمگیری گسترش داده است...» (اسناد پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران - «نامه مردم» شماره ۴۷۱ - ۲۶ دی ماه ۱۳۷۴).

بدیهی است که در چنین شرایطی ادعای رساندن ایران به خود کفایی، افزایش تولید داخلی و همگام با آن افزایش صادرات غیر نفتی ادعاهای مسخره ای بیش نیست که هیچکس آن را جدی نمی گیرد. چند ماه پس از این ادعاهای گویلیزی و چاپ ارقام دروغین پیرامون رشد صادرات غیر نفتی ایران که رئیس جمهور و رئیس مجلس جداگانه از آنها به منظور درخشان نشان دادن کارنامه رژیم بهره جستند، محسن نوربخش، رئیس بانک مرکزی و مشاور ویژه رئیس جمهور در امور اقتصادی، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که وضع صادرات غیر نفتی ایران در سال گذشته وخیم بوده است و بجای افزایش های نجومی ادعا شده، کل صادرات غیر نفتی ایران در سال گذشته رقمی معادل ۲/۶ میلیارد دلار بوده است که نسبت به سال گذشته بین ۲۰ تا ۲۵ درصد کاهش نشان می دهد.

بحران مالی رژیم، سقوط ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی و عدم برنامه ریزی صحیح برای هدایت تولید اقتصادی در کشور اثر مستقیم و مخرب خود را بر زندگی میلیون ها ایرانی به شکل بارز و دردناکی برجای گذاشت و اغراق نیست اگر بگویم که سال ۷۴ سال تشدید دهشتناک فشارهای اقتصادی بر کرده میلیون ها خانواده ایرانی بود که حتی با داشتن سه یا چهار کار و گاه بیش از ۸۰ ساعت کار در هفته نیز توان تأمین یک زندگی حداقل را برای خود نداشتند. تورم که به ادعای رئیس جمهور رژیم قرار بود در کنترل کامل دولت زیر ۱۰٪ باشد بر اساس آمارهای رسمی به بیش از ۵۲٪ افزایش یافت و این در حالی بود که در بهترین حالت دولت و بخش خصوصی با ۲۰ تا ۳۰٪ اضافه حقوق کارگران و کارمندان موافقت کردند. به عبارت دیگر همگام با رشد نجومی قیمت ها و تشدید فشار اقتصادی بر

خانواده ها، توان اقتصادی اکثریت قاطع مردم نه تنها همگام با این تحولات افزایش نیافت بلکه به شکل رسمی کاهش چشمگیری یافت و معلوم نیست که مردم این کسری درآمد خود را باید از کدام محل تأمین کنند.

### «عدالت اجتماعی» از ادعا تا واقعیت

رژیم جمهوری اسلامی در سال گذشته قول داد تا عدالت اجتماعی را که از شعار های اساسی انقلاب بهمن بوده است همگام با «توسعه اقتصادی» ایران تحقق بخشد و دره میان فقر و ثروت را در جامعه کاهش دهد.

در حالی که کلان سرمایه داران حاکم دم از تحقق عدالت می زدند و مردم را به بردباری و تحمل برای رسیدن به «درواهای تمدن بزرگ اسلامی» قرا می خواندند، مردم شاهد رسوا شدن گوشه هایی از غارت کشور توسط سران رژیم و وابستگان آنها بودند که در تاریخ کشور ما کم نظیر است. از اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات که توسط برادر و دوستان نماینده ولی فقیه در بنیاد مستضعفان (!)، محسن رفیق دوست سازمان دهی شده بود تا روشن شدن میلیون ها دلار اختلاس و دزدی در بانک های گوناگون کشور در کنار اعلام این حقیقت که تقدینگی بخش خصوصی در زیر چتر حمایت رژیم «ولایت فقیه» به بالاترین رقم خود در تاریخ معاصر کشور ما یعنی به ۶۰۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۷۳ افزایش یافته است نشانگر دره عمیق میان ادعاهای سران جمهوری اسلامی و واقعیات دردناک و روزمره زندگی مردم کشور ماست. جالب تر از همه اینکه کسانی که تا دیروز جزو مشوقین اصلی رژیم برای بازگذاشتن هرچه بیشتر دست سرمایه داران برای غارت کشور و یا به عبارت دیگر «سپردن کار مردم به مردم» بودند و برنامه خصوصی کردن تمامی صنایع کشور از جمله صنعت نفت را پیشنهاد می کردند، ناگهان به طرفداران اروپا قرص عدالت اجتماعی و پرچم داران اساسی آن بدل شدند و کسانی از جمله حبیب الله عسگر اولادی، که ماجراهای اختلاس خود او در ابتدای انقلاب هنوز در خاطره ها زنده است، ناگهان به «قهرمان مبارزه» در راه عدالت اجتماعی بدل می شوند. سرنوشت «مبارزه ای» که قرار است به دست عسگر اولادی ها و خاموشی ها برای تحقق عدالت اجتماعی در ایران دنبال شود از هم اکنون روشن است.

### ریزش از درون، «قانونی» کردن سرکوب و اختناق و مسأله پنجمین دوره «انتخابات» مجلس

سال ۱۳۷۴، سال گسترش بحران سیاسی در درون حاکمیت جمهوری اسلامی بود. روند فروپاشی ائتلاف بزرگ نیروهای مذهبی که از فریاد پیروزی انقلاب بهمن آغاز شد در سال ۱۳۷۴ با تشدید برخوردها میان دو گروه ائتلافی طرفداران رفسنجانی و گروه حجتیه (رسالت) در درون حاکمیت ابعاد تازه ای به خود گرفت و رژیم را بیش از پیش در بحران همه جانبه سیاسی فرو برد.

ائتلافی که با هدف بیرون راندن گروه «رادیکال های اسلامی» از مجلس شورای اسلامی در آستانه چهارمین «انتخابات» مجلس شکل گرفته بود و با شعار «اطاعت از رهبری - حمایت از هاشمی» بخش بزرگی از نیروهای «تند رو» را از مجلس و دولت جمهوری اسلامی بیرون راند در

آستانه پنجمین دوره «انتخابات» با یورش رسمی گروه حجتیه (رسالت) برای قبضه انحصاری قدرت و عدم توافق آنها برای گنجاندن اسامی تمامی کاندیداهای جناح رفسنجانی در لیست انتخاباتی «جامعه روحانیت» و در پی آن انتشار اطلاعاتی شایسته نفری گروه «کارگزاران سازندگی» شامل ده وزیر دولت چهار مشاور رئیس جمهور، شهردار تهران و رئیس بانک مرکزی از هم پاشید و دو جناح به رقابت انتخاباتی با هم پرداختند که به نظر می رسد به نفع جناح «رسالت» به پایان رسیده است. با پایان «انتخابات» پنجمین دوره که به دلیل انشعاب گروه رفسنجانی و شرکت برخی نیروهای ملی و رادیکال مذهبی (که این توم را دامن می زدند که گویا در رژیم «ولایت فقیه» می توان «انتخابات آزاد» برگزار کرد) از رونق بیشتری از چهارمین دوره برخوردار بود، مرحله جدیدی در جنگ قدرت درون حاکمیت جمهوری اسلامی آغاز شد که می تواند در آستانه برگزاری «انتخابات» ریاست جمهوری ابعاد گسترده تری بیابد. این ریزش از درون در حاکمیت جمهوری اسلامی در شرایطی انجام گرفت که در مقابل اوج گیری نارضایتی اقشار گوناگون مردم از کارگران و زحمتکشان تا روشنفکران رژیم در ماه های اخیر خود را برای تشدید سرکوب و خفقان آماده کرده بود. از تصویب لایحه «مجازات جرم ضد امنیت ملی» تا تشدید حضور نیروهای امنیتی در شهرهای مختلف کشور تا تشکیل گروه نیم مسلح و چماق دار «انصار حزب الله» و یورش به روزنامه ها و مجلات مستقل و تشدید پیگرد نیروهای دگراندیش در داخل و خارج از کشور همگی بخشی از برنامه حاکمیت برای آینده ای است که در آن قاعدتاً می بایست منظر تحولات حد و برخورد های وسیع اجتماعی میان اکثریت مردم از یک سو و حاکمیت استبدادی رژیم «ولایت فقیه» از سوی دیگر بود.

### خطراتی که ایران را تهدید می کند

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در ارزیابی خطراتی که میهن ما را تهدید می کند، به درستی به خطر دخالت خارجی، خصوصاً امپریالیسم آمریکا، در امور داخلی کشور ما و حتی امکان جنگ داخلی در ایران اشاره کرد و در این زمینه به نیروهای ملی و مترقی کشور ما هشدار داد. در هفته های اخیر در جریان برگزاری کنفرانس امنیتی در مصر که در آن سران نزدیک به ۳۰ کشور جهان از جمله آمریکا، روسیه، آلمان، فرانسه و انگلیس در کنار سران کشورهای عربی خلیج فارس حضور داشتند، بار دیگر این مسأله و خطری که ایران را تهدید می کند، در مرکز توجه افکار عمومی قرار گرفت و عکس العمل های گوناگونی را چه از سوی سران رژیم و چه از سوی نیروهای اپوزیسیون به همراه داشت.

ما در گذشته نیز اشاره کرده بودیم که تهدید امپریالیسم برای مداخله در امور ایران نه تنها به نفع مردم میهن ما نیست بلکه در تضاد آشکار با این منافع قرار دارد و به رژیم اجازه می دهد با عوام فریبی از این فشارها به عنوان توجهی بر تمام سیاه کاری ها و تخریب هایی که در هفده سال گذشته در کشور ما انجام داده است، استفاده کند.

افزون بر این روشن است که هدف دخالت خارجی در ایران نه از سر دسوزی بر سرنوشت اسف بار مردم ما که تنها در جهت تأمین منافع استعماری است که در جریان پیروزی انقلاب بهمن و رشد مبارزات ضد امپریالیستی در کشور ما و منطقه به شکل جدی صدمه دید و تاکنون علی رغم تلاش های جدی بخش هایی از حاکمیت ترمیم نشده است.



کلیشه عکسی از قاضی محمد بر روی دیواری در شهر مهاباد که زیر آن نوشته شده است «خود مختاری برای کردستان»

## یاد جنبش ۲ بهمن و رهبران خلق کرد: قاضی محمد و یاران گرامی باد

های ساکن ایران و در چارچوب کشور واحد بیکار کرده بودند. هر چند رژیم شاه با اعدام آنان به یک دوره از مبارزات خلق کرد که نقطه اوج آن برقراری دوام یکساله جمهوری مهاباد بود، نقطه پایان گذاشت. ولی هیچگاه نتوانست شعله بیکار مردم قهرمان کردستان را خاموش کند.

از آن زمان تاکنون جنبش خلق کرد، مانند جنبش سایر خلق های ساکن ایران راه پر فراز و نشیبی را پشت سرگذاشته است و طی سالیان دراز، هم توسط رژیم سلطنتی و هم توسط رژیم «ولایت فقیه» مورد سرکوب مداوم قرار گرفته است. پاسخ هر دو رژیم دیکتاتوری به خواست های برحق این خلق چیزی جز بمباران ها سرگردانی و آوارگی نبوده است. مردم کردستان طی این سال ها تاوان سنگینی در راه دستیابی به حقوق ملی پرداخته و هنوز هم می پردازند. با این حال با تمام دشواری های موجود چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه ای به بیکار خود ادامه می دهند. درست به خاطر همین ویژگی است که مردم ایران، کردستان را یکی از کانون های اصلی مبارزه در کشور می دانند و به بیکار آن به دیده احترام می نگرند. دستگاه های تبلیغاتی هر دو رژیم و همچنین رسانه های گروهی امپریالیسم همیشه تلاش کرده اند با تحریف و وارونه جلوه دادن واقعیت و زدن مهر وابستگی به اینگونه جنبش ها، خواست های حق طلبانه و مطالبات سیاسی آنها را از درون تهی سازند و نیروهای سیاسی که بار عمده مبارزه را به دوش می کشند، منزوی کنند. این تبلیغات مسموم ده ها سال است که از جانب نیروهای وابسته به رژیم گذشته و سیاست گذاران امپریالیسم دنبال می شود. نمونه بارز این برجسب زدن برخورد آنها به جنبش خلق های آذربایجان و

۱۰ فروردین یادآور اعدام جنایتکارانه قاضی محمد، سیف قاضی و صدر قاضی رهبران جمهوری خود مختار مهاباد، به دست رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه است. ۴۹ سال پیش در چنین روزی مردم ایران شاهد جنایتی هولناک در حق فرزندان خلق کرد بودند. رژیم وابسته شاه در سایه حمایت های امپریالیسم بعد از سرکوب خونین جنبش های حق طلبانه خلق کرد و خلق آذربایجان در اواسط دهه بیست، برای ایجاد رعب و وحشت و برقرار کردن سکوت گورستان در ایران، دست به پیگرد، دستگیری و اعدام رهبران این جنبش ها زد.

به دار آویختن جنایتکارانه قاضی محمد و یارانش نیز همچون اعدام فریدون ابراهیمی در آذربایجان جزئی از این سرکوب خونین بود. پس از سقوط جمهوری مهاباد و بازداشت رهبران آن، رژیم وقت با تشکیل دادگاه نظامی، عجلوانه حکم مرگ قاضی محمد، صدر قاضی و سیف قاضی را صادر کرد. این حکم در سحرگاه دهم فروردین ۱۳۲۶، در حالی که در سراسر کردستان حکومت نظامی برقرار بود و شهر مهاباد از ترس شورش احتمالی مردم به محاصره کامل نیروهای نظامی درآمده بود، به اجرا درآمد. قاضی محمد و یارانش تنها به «جرم» دفاع از خواست های برحق خلق کرد در میدان «چوارچرا» (میدان چهارچراغ) مرکز شهر مهاباد به دار آویخته شدند. میدان «چوارچرا» همان مکانی است که قاضی محمد ۱۴ ماه قبل از این واقعه، یعنی در روز دوم بهمن ماه (۲- ری بیندان) سال ۱۳۲۵ در میان استقبال بی نظیر مردم تاسیس جمهوری م خود مختار مهاباد را اعلام کرده بود. قاضی محمد و دیگر رهبران کرد، سالیان دراز برای رفع ستم ملی و در راه دستیابی به خود مختاری آنها نه فقط برای خلق کرد بلکه برای کلیه خلق

کردستان در اواسط دهه بیست است. البته برای ما عجیب نیست نیروهایی که خود زمانی در سرکوب این جنبش ها دخالت مستقیم داشته اند، کمافی السابق به تاریخ این جنبش ها اتهام وارد کنند. ولی جای تاسف در این است که برخی از نیروهای سیاسی که به عقاید دیروز خود پشت کرده اند نه تنها از این سنن تاریخی دفاع نمی کنند بلکه غیر مسولانه و حتی می توان گفت نفاق افکنانه زمینه گسترش تبلیغات پیش گفته را فراهم می کنند. حزب ما بر این باور است که زدن چنین اتهامات ناروایی آنها به جنبش های ملی که به گمان ما جزء جدایی ناپذیر جنبش عدالت خواهانه میهن ماست، توسط هر نیرویی که باشد محکوم و مطرود است و در نهایت به ضرر منافع عام جنبش آزادی خواهانه کشور است. به گمان ما مبارزات خلق های مختلف در راه احقاق حقوق ملی شان بخش جدایی ناپذیری از مبارزه مردم کشور ما برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است. ما توده ای ها ضمن گرامی داشت خاطره قاضی محمد و یاران بر این اصل تاکید می کنیم و اعتقاد راسخ داریم که در سایه اتحاد و همبستگی کلیه نیروها و بیکار مشترک همه خلق های ساکن ایران روزی فرا خواهد رسید، که آرمان هایی که قاضی محمد و یارانش به خاطر دستیابی به آن جان بر سر پیمان گذاشتند، تحقق خواهد یافت.

### ادامه رویدادهای ایران ...

در شرایط عدم وجود یک جنبش سازمان یافته و مردمی که بتواند به مثابه یک آلترناتیو مترقی و دموکراتیک در مقابل رژیم «ولایت فقیه» عمل کند، شرایط کشور هر روز به شکل نگران کننده تری به سمت تحولات خطرناک رانده می شود که نمی توان از هم اکنون همه ابعاد آن را پیش بینی کرد.

سران رژیم جمهوری اسلامی در حال حاضر هر چه بیشتر منزوی می شوند، و از یک سو در مقابلشان مردمی قرار دارند که به دلیل سال ها سرکوب و جنایت کم نظیر آنان خواهان تقاص و پاسخگویی هستند و از سوی دیگر نیروهای خارجی و مداخله گر از جمله و خصوصاً امپریالیسم آمریکا به بهانه برخورد با «حامیان تروریسم نیروهای افراطی اسلامی» و در واقع با هدف استقرار نظم نوین جهانی، به صف آرای برداخته اند. در چنین شرایطی است که رژیم برای حفظ خود به هر قیمتی ولو خونریزی بازهم بیشتر آماده می شود.

در حال حاضر دو نظریه گوناگون را در درون حاکمیت جمهوری اسلامی می توان ملاحظه کرد. بخشی که معتقد است با انحصاری کردن قدرت

سیاسی در اختیار خود و با پاکسازی های عناصر نامطمئن و منززل می تواند پایه های رژیم را تثبیت کند و بدین ترتیب ثبات سیاسی لازم را ایجاد نماید. و گروه دیگری که با در خطر قرار گرفتن منافعش، با اتکا به حمایت خارجی و زیر پوشش شعار های عوام فریبانه برای «رفرم»، سیاست ضرورت بازسازی روابط تخریب شده با امپریالیسم را به عنوان یگانه راه جلوگیری از روند فروپاشی جمهوری اسلامی و شرط لازم برای حفظ آن اعلام می کند.

### جبهه واحد ضد دیکتاتوری آلترناتیو مردمی در مقابل دخالت خارجی و رژیم «ولایت فقیه»

بر اساس چنین درکی از شرایط است که حزب توده ایران معتقد است که می بایست آلترناتیوی را که در آن خواست مردم خصوصاً کارگران و زحمتکشان میهن ما بتواند تحقق یابد، هر چه سریع تر پی ریزی کرد. آلترناتیوی که هدف عمده اش پایان دادن به حیات رژیم استبدادی «ولایت فقیه» و استقرار دموکراسی، آزادی، استقلال و عدالت

اجتماعی در کشور ما است. در نبود چنین آلترناتیوی است که علی رغم اوج گیری پراکنده اعتراض های توده ای و در شرایط انفجار قیام هایی مانند قیام مردم «اسلام شهر» که به سرکوب خونین مردم زحمتکش این ناحیه از سوی مزدوران رژیم منجر شد رژیم «ولایت فقیه» همچنان توانسته است تا به امروز به حیات خود ادامه دهد، هرگونه توهمی پیرامون ماهیت، این رژیم و یا جناح های گوناگون آن کمکی است به ادامه حیات استبداد در کشور ما.

کوتاه سخن! نیروهای ملی، مترقی و دموکراتیک کشور ما می توانند و می بایست در این شرایط با غلبه بر دشواری های موجود پایه های چنین جبهه ای را بر اساس حسن نیت، و اعتماد متقابل بریزند و راه تشدید مبارزه را برای پایان دادن به رژیم استبدادی «ولایت فقیه» بگشایند.



**تضاد بین رژیم و ولایت فقیه...**

رژیم، نهادهی به نام مرکز «شبکه سرتاسری فاکس» افتتاح شد. این در حالی است که چیزی به نام شبکه فاکس وجود ندارد، چون در ایران مانند دیگر مناطق جهان پیام های فاکس با استفاده از همان مدار و خطوط موجود تلفنی فرستاده می شوند و برای اینکار تنها احتیاج به دستگاه های فاکس استفاده کنندگان است. همچنین می توان به آگهی های تبلیغاتی معروف به «۱=۵۵» وزارت پست و تلگراف و تلفن اشاره کرد (مبنی بر اینکه در یکسال گذشته معادل ۵۵ سال گذشته خط تلفن ارائه شده است). البته شکی در مورد سیاهی کارنامه دورژیم حاکم در ۵۵ سال گذشته در ایران در مورد مدرنیزه کردن وسایل ارتباطی و ارائه آن به عموم نیست. این بدیهی است که تکنولوژی در مدت ۵۵ سال گذشته تغییرات عظیمی کرده است و همگام با آن نیز امکان ارائه خطوط تلفنی بیشتر شده است. لیکن این امر به هیچ وجه توجیه کننده سیاست های مخرب رژیم های حاکم نیست زیرا هیچ یک در صدد بسط تکنولوژی در جامعه و مردمی کردن آن نبوده اند. مردم کشور ما آنقدر هوشمند هستند که گول تبلیغات خالی از محتوای رژیم را نخورند. در این مورد اخیر هم فریبکاری ظاهرا زیرکانه رژیم بلافاصله با تمسخر و خشم مردم روبرو گردید تا حدی که حتی مطبوعات مجاز از شعار «۱=۵۵» بعنوان کاریکاتور استفاده می کنند. باید گفت که مردم این ریاضیات جدید رژیم را در مورد قیمت آبونمان و دیگر خدمات تلفنی کاملا قبول دارند. رژیم «ولایت فقیه» با ارائه این نوع اطلاعات انحرافی سعی در برده پوشی جهت دیگر مسأله دارد و آن کاربرد تکنولوژی اطلاعاتی مدرن، یعنی توانایی دست یابی به اطلاعات در انواع رشته ها و در سطح گسترده به وسیله مردم و تضاد آن با دیدگاه ارتجاعی رژیم ولایت فقیه» در مورد جایگاه و خواسته ها و آزادی افراد جامعه است. دخالت های مستقیم و خشن رژیم و عوامل آن در امور نشر کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون، سینما و غیره که همگی از کانال های سنتی اطلاع گیری هستند برای هر ایرانی آگاه مطلبی است کاملا واضح. لیکن قصد ما در اینجا بسط این مسأله در مورد تاسیس شبکه های کامپیوتری در ایران و استفاده آزادانه از شبکه های بین المللی (بعنوان مثال اینترنت) و دسترسی به بانک های اطلاعاتی است.

در جهان معاصر ما شاهد انقلابی زرف در زمینه تکنولوژی اطلاعات رسانی هستیم. توانایی ذخیره کردن و مبادله وسیع و سریع اطلاعات نیروهای مولده را شدیداً مورد تغییر و تحول قرار داده و خواهد داد. این به نوبه خود تحولات عمیق و عظیمی را در ابزار کار، موضوع کار و زندگی انسان ها و نهایتاً تغییر تولید مادی را بهمراه خواهد داشت. ما در آینده به جنبه اقتصادی-سیاسی این انقلاب تکنولوژیک و اثرات آن بر روی کشورهای نظیر ایران خواهیم پرداخت ولی در اینجا برخورد و عملکردهای رژیم در مورد این مسأله را مد نظر داریم. در مورد تکنولوژی کامپیوتر و اطلاعات رسانی نیز ما شاهد بعضی اقدامات پراکنده هستیم که عمدتاً به خاطر منافع حیاتی رژیم و یا به دلیل سوداگری سرمایه داری تجاری انجام شده اند و به همراه آن تبلیغات معمول عوام فریبانه را می توان دید: «شبکه آگاه گر، اطلاعات در اختیار رئیس جمهور می گذارد» (روزنامه ابرار، ۱۹ دیماه ۱۳۷۴). برای نشان دادن واقعیت و تجزیه و تحلیل دقیق تر این مسأله ما به بحث هایی که در نشست علمی در تاریخ ۷۴/۱/۵ در

دانشگاه صنعتی شریف با شرکت تعدادی از متخصصین از نهادهای مختلف و نماینده رژیم آقای شیخ عطار (از مرکز ارتباطات دینا) انجام پذیرفت رجوع می کنیم. در ابتدا باید گفت که طبق گفته بسیاری از حاضرین، برخلاف خواست و سعی فراوان نماینده رژیم این جلسه توانست از یک جو استثنایی نسبتاً آزاد برخوردار شود. در ابتدای جلسه آقای شیخ عطار طبق معمول با استفاده از ترفند تبلیغات عوام فریبانه و آمیختن آنها با شعارهای مبتذل «انقلاب اسلامی» سعی کرد که عملکردهای موجود را به عنوان دستاوردهای عظیم انقلاب معرفی کند ولی اینبار در یک محیط نسبتاً آزاد و در جمع متخصصین و حاضرین مطلع، مدعوین میزگرد یکی پس از دیگری با ارائه فاکت های مشخص شدیدترین انتقادات را به عملکردهای فنی و سیاسی رژیم بیان کردند. براساس گفته بسیاری از حاضرین بلافاصله جو این جلسه بر خلاف جو موجود در جامعه تبدیل به یک بحث خلاق شد که در آن مدعوین میزگرد با پشتیبانی صدها نفر از حاضرین اجازه ندادند که آقای شیخ عطار بحث را از مسیر اصلی آن منحرف کند. شیخ عطار با بی شرمی تمام سعی کرد امکانات بسیار محدود برای اتصال به شبکه های کامپیوتری خارج از کشور را که با تلاش مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات به وجود آمده اند به عنوان عملکرد برنامه ریزی شده و عظیم شرکت دینا (نهاد دولتی) معرفی کند و اینطور نشان دهد که بسیاری از دانشگاه ها در حال حاضر می توانند از این امکانات استفاده کنند. البته عکس العمل نماینده مرکز تحقیقات فیزیک نظری، ریاضیات و دیگر مدعوین این دروغ بزرگ رژیم را افشا کرد. واقعیت تکان دهنده اینست که بر طبق اظهارات بعدی خود آقای شیخ عطار این امکانات بسیار محدود (که در حال حاضر کیفیت بسیار پایینی را داراست) تقریباً تنها امکانات موجود در سراسر کشور است. همینطور براساس اظهارات دیگر مدعوین، اقدامات دولت برای تاسیس یک شبکه اطلاعات رسانی عمومی در سطح بسیار نازل و همراه با تاخیر است. به عبارت دیگر حتی با استناد به اظهارات خود نماینده رژیم، در حال حاضر در ایران دانشگاه ها و نهادهای دیگری نظیر صدا و سیما و روزنامه ها و غیره از توانایی استفاده از شبکه هایی مانند اینترنت کاملاً محروم هستند و در ایران امکان مبادله اطلاعات به وسیله کامپیوتر و پایه گذاری بانک های اطلاعاتی برای استفاده حتی متخصصین تقریباً صفر است. باید توجه داشت که در جهان امروزی در بسیاری از کشورها (نه فقط کشورهای پیشرفته صنعتی) مبادله اطلاعات به وسیله شبکه های کامپیوتری و دسترسی به بانک های اطلاعاتی بین المللی که بسیاری از آنان بصورت رایگان در دسترس عموم قرار دارند به یکی از نیازهای جدی و مبرم کارهای فکری و سرویس دهنده تبدیل شده اند. البته بی کفایتی مسوولان و ندانم کاری های فنی یکی از دلایل این عقب ماندگی شدید است، که به وضوح در این نشست برای حاضرین ثابت شد. ولی هسته اصلی مباحث این نشست و همینطور مقالاتی که عوامل رژیم در مطبوعات مجاز در مورد خطرات اخلاقی (!!) اینترنت و دیگر هشدارها... به چاپ می رسانند به وضوح نشان می دهد که در اینجا رژیم «ولایت فقیه» خود را فقط مواجه با یک مشکل فنی و عدم برنامه ریزی نمی بیند بلکه در واقع خواهان به وجود آمدن یک شبکه اطلاع رسانی کامپیوتری که قادر به کنترل کامل سرویس دهندگان و استفاده کنندگان آن نباشد، نیست. به عبارت دیگر رژیم بعد از تاسیس خطوط ارتباطی لازم برای یک شبکه، فقط اجازه می دهد آن دسته از اطلاعات که از نظر آن قابل قبول است در این شبکه مبادله و در بانک های اطلاعاتی ذخیره شوند، یعنی همان کاری که در مورد مطبوعات، کتاب ها، رادیو و تلویزیون انجام شده است، یعنی نظارت کامل بر هر جمله، نوشته یا گفته. باید توجه داشت که یک تفاوت

ماهوی بین شبکه اطلاع رسانی کامپیوتری و این دسته از امکانات اطلاع رسانی وجود دارد و آن اینکه یک شبکه گسترده اطلاع رسانی و اطلاع گیری کامپیوتری، یک کانال دوطرفه است که در آن یک یا چند نفر بصورت رسمی و یا غیر رسمی می توانند از اطلاعات یکدیگر با سرعت بسیار استفاده کنند و همینطور گیرنده اطلاعات خود می تواند در انتخاب اطلاعات و منبع آن شخصاً و مستقیماً تصمیم بگیرد و این منبع (بانک اطلاعاتی) می تواند هر جای دنیا قرار داشته باشد.

به عبارت دیگر صفات اصلی تشکیل دهنده یک شبکه کامپیوتری عمومی، دقیقاً در تقابل مستقیم با منافع یک رژیم دیکتاتوری است. رژیم «ولایت فقیه» خواهان تقویت عقاید و شکل گیری افکار افراد جامعه بر طبق آن چیزی است که به صورت فریبکارانه و مستبدانه آن را ارزش مذهبی می نامد و نیروی بالقوه یک شبکه اطلاع رسانی گسترده و آزاد برای آن قابل قبول نخواهد بود. مسأله مهم اینست که بشریت با استفاده از تکنولوژی کامپیوتری و اطلاعاتی قدم به حیطه و دوران نوینی می گذارد و در آینده ای نه چندان دور به واسطه ارتباط مستقیم و گسترده بین مردم، هستی اجتماعی و آگاهی اجتماعی بسیاری از جوامع دستخوش تغییرات عظیم خواهند شد (البته بعضی از این تغییرات در چارچوب اقتصاد سرمایه داری جهانی جنبه های منفی را نیز بهمراه خواهد داشت که بحثی است جداگانه و مهم). ولی همانطور که در اینجا بصورت مختصر نشان داده شد، وجود رژیم «ولایت فقیه» سدی است در مقابل این تحول برای نیروهای مولده کشور.

اگر از دو قرن پیش تا به امروز جامعه ایران نتوانسته در پرتو انقلاب صنعتی به شکل لازم از جهت اقتصادی-سیاسی-اجتماعی تکامل یابد و به قول رفیق فقیه طبری همانند موجودیست ناقص الخلقه، اینبار دیگر شدیداً جای تاسف خواهد بود اگر دانسته اجازه دهیم تاریخ دوباره به دلیل استبداد مذهبی رژیم «ولایت فقیه» تکرار شود و ایران بار دیگر از قافله پیشرفت انقلاب تکنولوژیکی عقب بماند و ضایعات جبران ناپذیری را متحمل شود. این هشدار است جدی به همه نیروهای مرفی ایران و بالخصوص بخشی از اپوزیسیون که هنوز از این رژیم و در چارچوب تاریخ اندیشی «ولایت فقیه» انتظار معجزه دارند.

**سیاسی**

به مناسبت فرا رسیدن سال نو و نوروز پیام های تبریک تلفنی و کتبی زیادی از سوی رفقا و واحد های حزبی به دفتر روزنامه و دبیرخانه حزب رسیده است. «نامه مردم» ضمن تشکر از این رفقا، بار دیگر نوروز باستانی را به همه رفقا، هواداران و دوستان حزب تبریک می گوید و سالی پر از پیروزی و موفقیت برای مردم و میهن در پندمان آرزو می کند.



**ادامه تحریم عراق**

شورای امنیت سازمان ملل در ۱۷ اسفند ماه تصمیم گرفت که به تحریم عراق ادامه دهد. تصمیم شورای امنیت زیر فشار ایالات متحده صورت گرفت که معتقد بود طی دوره ۶۰ روزه مورد مطالعه برای تجدید نظر درباره تحریم، هیچ گونه شواهدی مبنی بر پذیرش شرایط سازمان ملل از طرف بغداد در مورد فروش ۲ میلیارد دلار نفت و تخصیص درآمد حاصله از آن به خرید مواد غذایی و دارویی برای مردم غیر نظامی وجود ندارد. نماینده ایالات متحده آمریکا با اشاره به قتل دامادهای صدام و بستگان آنان در بازگشتشان از مهاجرت ۶ ماهه در اردن، آن را دلیل دیگری بر دورویی و نیرنگ بازی صدام حسین دانست.

همچنین، اردن اعلام کرد که یک محموله شامل قطعات یدکی و وسایل هواپیماهای جنگنده را که علی رغم نقض تحریم عراق از سوی سازمان ملل از لهستان به مقصد عراق در راه بود، توقیف کرده است.

**ائتلاف احزاب دست راستی در ترکیه**

پس از قریب دو هفته از انجام انتخابات پارلمانی این کشور که در آن هیچ حزبی اکثریت مطلق را بدست نیاورد، احزاب محافظه کار و دست راستی «مام میهن» و «طریق حق» دولت جدیدی را تشکیل دادند. خانم چیلر بست نخست وزیر را به مسعود یلماز رهبر حزب مام میهن سپرد که در ۹ ماه آینده نخست وزیر کشور خواهد بود. در دولت ائتلافی حزب «طریق حق» ۹ وزیر و حزب «مام میهن» ۸ وزیر خواهند داشت و بست نخست وزیری به تناوب ۹ ماهه

از سوی رهبر احزاب ائتلافی اشغال خواهد شد. خانم چیلر در مورد سیاست گذاری کشور اعلام کرد: «من و آقای یلماز با هم می نشینیم و در مورد این مسایل با هم صحبت می کنیم. تا آنجاییکه مسایل داخلی و خارجی مطرح هستند ما با یکدیگر به توافق خواهیم رسید». ائتلاف دو حزب هنوز ۱۵ کرسی از اکثریت مطلق پارلمانی کم دارد و لذا در مسایل و رای گیری های کلیدی احتیاج به حمایت سوسیال دموکرات های حزب چپ دموکرات به رهبری بولنت اجویت خواهد داشت. اجویت اظهار داشته است که او متعهد به تصویب تصمیماتی که «علیه اصول ما باشند» نخواهد بود.

**خط لوله نفتی دریای خزر در قزاقستان**

پس از ۳ سال چانه زدن و اصرار ورزیدن کنسرسیوم خط لوله کاسپین (خزر) که مرکب از روسیه، قزاقستان و عمان می باشد قبول کرد که امکان شرکت سرمایه گذاری های خارجی را در تاسیس یک خط لوله ۷۵۰ کیلومتری که حوضه نفتی عظیم تمیز در شمال شرقی دریای خزر را به بندر نورروسسک در ساحل دریای سیاه وصل می کند، ایجاد نماید. بر اساس توافق حاصله سهم روسیه و قزاقستان و عمان به حدود ۵۰ درصد این سرمایه گذاری محدود خواهد شد و کمپانی های بین المللی نظیر شورون، موبیل، بریتیش گاز بقیه سهام را تصاحب خواهند کرد. شورون در حال حاضر ۵۰ درصد یک قرارداد مشترک برای اکتشاف و استخراج حوضه نفتی تمیز را بعهده دارد.

تخمین زده می شود که این حوضه نفتی تا ۷۰۰/۰۰۰ بشکه نفت خام در روز تولید کند و ۲۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری را به منطقه جذب کند. لیکن این منوط به وجود یک خط صدور مطمئن می باشد. مایک لبیتی، سخنگوی شورون گفت: «انعطافی که روسیه، قزاقستان و عمان برای دست یابی به یک ساختار قابل قبول تجاری نشان داده اند، ما را امیدوار کرده است.»

ساختمان خط لوله ۱/۸ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. مدیر کنسرسیوم خط لوله کاسپین، ادوارد اسمیت گفت که این قرارداد ساختمان لوله را تسریع خواهد کرد. قرار بود که در جلسه ای در ۲۵ اسفند ماه در لندن ترکیب کمپانی های شرکت کننده در طرح لوله مشخص گردد.

**رضایت آمریکا از اصلاحات قرقیزستان**

جیمز کالیتز، مشاور عالی رئیس جمهور آمریکا گفت که به کمک ایالات متحده به قرقیزستان امسال تجدید نظر نماید.

حداقل در حد سال قبل یعنی ۵۰ میلیون دلار خواهد بود. و ادامه کمک نشانه رضایت خاطر ایالات متحده از پیشروی اصلاحات مورد نظر آن در قرقیزستان می باشد. او اضافه کرد که قرقیزستان در این رابطه رهبری جمهوری های سابق اتحاد شوروی در آسیای مرکزی را بدست دارد.

**سیاست جدید آمریکا در ازبکستان**

بیل کلیتون رسماً به اسلام کریموف رئیس جمهور ازبکستان اطلاع داد که قرارداد سرمایه گذاری های دوجانبه بین دو کشور برای تصویب به سنای آمریکا فرستاده شده است. بر طبق این قرارداد که در اواخر آذرماه ۱۳۷۳ بین دو طرف امضاء شده بود طرفین موافقت می کنند که استانداردهای قانون بین المللی در مورد مصادره دارایی ها و غرامت ها، و انتقال آزاد سرمایه و همچنین قبول یکدیگر به عنوان شریک تجاری ترجیحی را به اجرا بگذارند. تاکنون برخی از سرمایه گذاران آمریکایی از نبود یک چارچوب قضایی برای این مسایل در ازبکستان نگران بودند. به علاوه کلیتون اهمیت کمیسیون تبدیل صنایع نظامی را که در اواسط اسفند در تاشکند بود، مورد تأکید قرار داد. در مغایرت کامل با انتقادهای گذشته ایالات متحده از ازبکستان، کلیتون گفت: «دو کشور می توانند با یکدیگر همکاری کنند» و «ازبکستان می تواند یک نقش کلیدی» در آسیای مرکزی بازی کند.

**روسیه و توسعه ناتو در شرق اروپا**

سفیر روسیه در جمهوری چک، آقای الکساندر لیدوف در ۲۳ اسفند گفت که روسیه حاضر است مصالحه ای را بر سر مساله توسعه ناتو در شرق اروپا قبول کند. بنظر می رسد که برخی محافل روسیه جهت متقاعد کردن غرب به جدی بودن روند اصلاحات سرمایه داری در این کشور حاضرند منافع امنیتی این کشور را نیز زیر پا بگذارند. دیپلمات روسی پیشنهاد کرد که مسکو گرچه نمی تواند بسط ساختارهای نظامی ناتو در اروپای شرقی را قبول کند ولی این کشور می تواند با گسترش ساختارهای سیاسی ناتو توافق کند و حتی توسعه برخی تضمین های نظامی توسط ناتو برای کشورهای اروپای شرقی را بپذیرد. اظهارات دیپلمات روسی شباهت فراوانی به اظهارات اخیر وزیر خارجه روسیه، یوگنی پریماکوف، دارد که گفته بود در صورتی که ناتو از استقرار نیروهای نظامی در قلمرو اعضای جدید خود خودداری کند، روسیه حاضر است در مواضع خود تجدید نظر نماید.

**نفوذ روز افزون شرکت های فراملیتی و آمریکا در جمهوری آذربایجان**

**موافقتنامه آذربایجان برای استخراج نفت**

رئیس جمهور آذربایجان حیدر علی اوف در ۱۸ اسفند جهت یک بازدید رسمی سه روزه وارد تفلیس شد. علی اوف و همشای گرجی او، شواردنازه یک موافقتنامه ۱۵ ماده ای درباره دوستی و همکاری بین دو کشور و نیز یک بیانیه جداگانه در مورد صلح، ثبات و همکاری در سرتاسر قفقاز امضا کردند. از دیگر نکات مهم بازدید علی اوف، امضای یک موافقتنامه توسط نمایندگان آذربایجان، گرجستان و نیز کمپانی بین المللی AIOC (که مسؤولیت های اجرایی یک کنسرسیوم متشکل از ۱۰ کمپانی غربی را که در استخراج سه حوضه نفتی دریای خزر شرکت دارند به عهده دارد) می باشد. بر طبق این موافقتنامه بخشی از نفت تولید شده از طریق گرجستان صادر خواهد شد. معاون AIOC به آژانس خبری فرانسه گفت که در مورد چگونگی سرمایه گذاری برای

خط لوله غربی هنوز توافقی نشده است و این خط بعید است تا قبل از شهریور ۱۳۷۶ به کار بیفتد. انتظار می رود که استخراج نفت حوضه های نفتی خزر از اواخر پاییز ۱۳۷۵ آغاز شود.

**صندوق بین المللی پول به آذربایجان وام می دهد**

به گزارش اینترتاس پس از ملاقات رییس جمهور آذربایجان حیدر علی اوف و مدیر کل صندوق بین المللی پول آقای مایکل کامدوسوس در ۲۲ اسفند، صندوق بین المللی پول قبول کرده است که یک وام ۸۰ میلیون دلاری برای تعدیل های ساختاری در اختیار آذربایجان قرار دهد. صندوق بین المللی پول همچنین قول داده است که هنگامی که آذربایجان طرح تجدید ساختار اقتصادی خود را کامل کرد یک وام ۳۵۰-۲۶۰ میلیون دلاری دیگر به آن بدهد. کامدوسوس به تغییرات اقتصادی آذربایجان در سال های اخیر اشاره کرد و آنها را مثبت ارزیابی کرد. در سال گذشته مسیحی

تورم ماهانه از ۵۰ درصد در ماه به ۲/۵ درصد در ماه تقلیل یافته است.

\* به گزارش بنگاه خبری اینترتاس در ۲۳ اسفند ماه نمایندگان عالیرتبه دولت آمریکا شامل معاون وزیر خارجه، استروبه تالبوت و معاون مشاور امنیت ملی، سندی برگر، قرار است در کوشی برای حل مناقشه ارمنستان و آذربایجان بر سر منطقه ناگورنی قره باغ با روسای جمهور دو کشور علی اوف و لئون پتروسیان ملاقات کنند. دلیل علاقه روز افزون ایالات متحده آمریکا به حل این اختلاف دیرپا که در سال های اخیر موجب درگیری های خونین بین دو کشور شده است، تسهیل امضاء قرارداد خط لوله نفت در منطقه می باشد. جالب توجه است که مقارن با این خبر کارن بابویان، صدر «حکومت» ناگورنی قره باغ از کار برکنار و آرتور تاموسیان جایگزین او شد.

## ادامه: تروریسم، صلح در خاورمیانه و نظم نوین جهانی

بنیادگرایان اسلامی چه در فلسطین و چه در جمهوری اسلامی گردهمایی را مقدمه ای بر شروع جنگ همه جانبه و خاتمه روند صلح کنونی می دانستند و شاید به نوعی در انتظار و به امید چنین عاقبتی بودند، نمی توان و نباید گردهمایی شرم الشیخ را در زمینه ای بس فراتر ندید و ارزیابی ننمود. با کمی دقت در اظهارات رسمی اعلام شده و مطالعه بیانیه صادره و بهای واقعی دادن به برخی اظهارات جانبی رسانه های مطبوعاتی صهیونیستی وابسته به دولت اسرائیل می توان به نتایج مشخص رسید.

هدف این گردهمایی در حقیقت پاسخ به بحران سیاسی ای بود که که بروسه صلح و به تبع آن حکومت خودمختار فلسطین و اسرائیل را فراگرفته است.

گردهمایی پیام صریحی به مردم اسرائیل و به خصوص آنان که در مورد روند صلح و توانایی دولت یروز در کنترل اوضاع دودل و مردد هستند داد که غرب آنان را تنها نخواهد گذاشت. کلیتون در مصر اعلام کرد: «من با یک پیام روشن و صریح به اسرائیل می روم. اسرائیل در منطقه تنها نیست». او به صراحت اعلام کرد که آمریکا هر اقدامی را که لازم باشد برای به حداقل رساندن خطر برای اسرائیل از قبیل مصالحه های ارضی آن با اعراب، انجام خواهد داد. اعطای ۱۰۰ میلیون دلار کمک به اسرائیل جهت مقابله با تروریسم و امضای یک توافقنامه مشترک برای همکاری در مبارزه علیه تروریسم (که احتمال تبدیل آن به یک پیمان دفاعی کامل بین اسرائیل و آمریکا را نمی توان از نظر دور داشت) را باید از نشانه های جدی بودن ایالات متحده در جهت اطمینان خاطر دادن به افکار عمومی اسرائیل دانست. دولت کلیتون امیدوار است که با چنین موضع گیری هایی، برز و حزب کارگر بتوانند در انتخابات ماه مه پیروز شوند. از نظر ایالات متحده پیروزی حزب کارگر در انتخابات و موفقیت بروسه صلح کنونی بهم وابسته هستند. کلیتون، هم به دلیل منطقه ای و هم بدلیل سیاست داخلی خود، خواستار موفقیت بروسه صلح است. در رابطه با منطقه خاورمیانه، دموکرات ها اکنون با توجه به توازن نیروها در منطقه و جهت آتی منافع شان خواستار پایان درگیری نظامی میان اسرائیل و فلسطینی ها هستند. از سوی دیگر موفقیت روند صلح یک امتیاز عمده سیاست خارجی دولت کلیتون محسوب خواهد شد که در مبارزه انتخاباتی او با جمهوریخواهان که مخالف روند صلح هستند می تواند حیاتی باشد و لذا کلیتون با نمایش خود به عنوان یک چهره ضد تروریست، در کنار اسرائیل می ایستد و سعی دارد که از طریق گردهمایی طرفداران روند صلح نقش خود را به عنوان رهبر جهان به نمایش بگذارد. با اطمینان از چنین حمایتی بود که اسرائیل اتخاذ اقدامات شدید امنیتی را اعلام کرد. در اولین قدم های خود دولت اسرائیل تخریب منازل مسکونی اقوام آنانی را که در بعب گذاری ها شرکت داشتند و همچنین اخراج آنانی را که مشکوک به همکاری با مخالفین روند صلح هستند از سرگرفت.

این سیاست در گذشته به شدت از سوی کشورهای غربی مورد اعتراض قرار گرفته بود.

موفقیت بروسه صلح کنونی و تثبیت موقعیت اسرائیل به عنوان یک نیروی عمده اقتصادی در این منطقه حساس جهان از نظر طراحان نظم نوین جهانی بسیار با اهمیت است. اهمیت روند صلح در این رابطه بسیار فراتر از حل مشکل درگیری فلسطینی ها و اسرائیل است. به دنبال پیروزی در جنگ سرد، امپریالیسم جهانی عملاً خواستار استفاده از نقش استراتژیک اسرائیل در جهت نوینی به نفع خود می باشد. این جهت نوین متضمن تبدیل اسرائیل به یک شریک عمده و استراتژیک امپریالیسم آمریکا و در عمل امپریالیسم حاضر در منطقه خاورمیانه، مدیترانه و آفریقا است. کنفرانس کازابلانکا که چند ماه قبل به منظور طرح ریزی اقتصادی این مناطق پس از خاتمه درگیری اعراب و اسرائیل برگزار شد، شرکت فعال اسرائیل در تحولات اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی، موافقتنامه همکاری های نزدیک اتحادیه اروپا با اسرائیل و سرازیر شدن بانک های ژاپنی و اروپایی به منطقه را تأیید کرد.

آغاز دوباره درگیری می تواند چنین آینده ای را شدیداً به مخاطره بیندازد. ویکتور هالبرت، یکی از تحلیل گران مهم بازارهای مالی و متخصص در امور اسرائیل، معتقد است: «خارجیان معتقدند که پیروزی لیکود به روند صلح پایان خواهد داد و منجر به استفاده از نیروی بیشتر توسط دولت علیه فلسطینی ها خواهد شد. این امر اثرات منفی روی تروریسم و رشد اقتصادی خواهد داشت. در صورتی که لیکود پیروز شود، رشد از ۶ درصد به ۴/۵ درصد کاهش پیدا خواهد کرد». این موضع امپریالیسم در قبال منطقه و اسرائیل به نوبه خود مسایل با اهمیت و اساسی ای را در رابطه با جهت سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به کشورهای حوزه خلیج فارس و به ویژه جمهوری اسلامی ایران مطرح می کند. این سؤال برای مدت ها ذهن نیروهای سیاسی فعال در خاورمیانه را بخود مشغول داشته است که آیا سیاست امپریالیسم در قبال ایران به عنوان بخشی از خاورمیانه و یک عنصر مهم و استراتژیک آن بر براندازی رژیم حاکم و یا به نوعی کنترل و مهار و هدایت آن به سوی طرح های مورد نظر خود می باشد.

دولت کلیتون از سال ۱۹۹۳ استراتژی «مهار دوگانه» که توسط مارتین ایندیک، مسوول وقت امور خاورمیانه در شورای امنیت ملی و سفیر کنونی آمریکا در اسرائیل تدوین شده بود، اجرا کرده است. این استراتژی متوجه کنترل ایران و عراق به عنوان دو مهره کلیدی خاورمیانه، به طور همزمان می باشد. منطبق بشت این استراتژی به بیان مقاله ای که در فروردین ۱۳۷۳ توسط ۱. لیک، مشاور امنیت ملی، نوشته بود، منزوی کردن هردو کشور ایران و عراق، سرنگون کردن صدام و تغییر دادن سیاست خارجی ایران می باشد. البته این سیاست دولت کلیتون از آنجائیکه صریحاً هدف براندازی رژیم جمهوری اسلامی را طرح نمی کند، مورد انتقاد جمهوریخواهان و همچنین گروه بر قدرت طرفداران و حامیان اسرائیل در دولت و سیستم سیاستگذاری ایالات

متحده می باشند. طرح های داماتو و گینگریج برای جلب توجه حامیان اسرائیل دانست. اما در این رابطه مشکلاتی بر سر راه آنان وجود دارد: الف- بیل کلیتون از نظر تبلیغاتی می تواند با آنان همصدا شود بدون اینکه حقیقتاً سیاست خود را در قبال ایران تغییر دهد. ب- ایالات متحده بدون حمایت کشورهای اروپایی و ژاپن نمی تواند سیاست فعالی در جهت براندازی رژیم جمهوری اسلامی اتخاذ کند. این کشورها در گردهمایی خود در پالمو در ۱۹ و ۲۰ اسفند به صراحت نشان داده اند که در تعقیب منافع استراتژیک خود در ایران حاضر به دنباله روی از ایالات متحده نیستند. ج- دموکرات ها و بیل کلیتون با آگاهی از این امر که جمهوریخواهان در صدد قطع کمک های خارجی آمریکا هستند و یکی از دریافت کنندگان اصلی این کمک ها اسرائیل می باشد، به نحو معنی داری یک کمک ۱۰۰ میلیون دلاری به اسرائیل را اعلام کردند. در حقیقت هدف های کلیتون در مسافرت به اسرائیل، موضع گیری بر سر صدا در دفاع از امنیت اسرائیل، تشکیل گردهمایی و اعلام کمک ۱۰۰ میلیون دلاری به مبارزه علیه تروریسم، جمهوریخواهان را در موضع ضعیفی قرار داده و شانس پیروزی انتخاباتی او را افزایش داده است. رخداد های هفته های اخیر از جمله گردهمایی «سازندگان صلح» و سپس سفر کلیتون به اسرائیل و موضع گیری کشورهای اروپایی، نشانگر گرایش های ظاهراً متفاوت ولی در واقع یگانه ای در سیاست امپریالیسم برای گسترش نفوذ همه جانبه اثر در منطقه خاورمیانه می باشد.

ما قبلاً گفته بودیم که امپریالیسم جهانی در مجموع سیاست واحدی را در مورد جمهوری اسلامی به پیش نمی برد. سیاست تشدید فشار که در ماه های اخیر با طرح داماتو و گینگریج ابعاد تازه ای به خود گرفت در انتها هدف بازگرداندن شرایط پیش از انقلاب به ایران و تبدیل مجدد ایران به جزیره ثبات امپریالیسم در منطقه را دنبال می کند. امپریالیسم آمریکا برای تحقق چنین برنامه ای مانورهای سیاست های گوناگونی را، از جمله تلاش برای رسیدن به توافق با یک جناح یا مجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی تا روی کار آوردن یک حکومت جدید و وابسته به امپریالیسم، بسته به شرایط مشخص و امکاناتش در ایران و منطقه، اجرا می کند. آنچه که به نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور ما مربوط می شود تشدید مبارزه با دخالت های امپریالیسم خصوصاً امپریالیسم آمریکا در ایران است. به گمان ما مبارزه مردم ما علیه رژیم «ولایت فقیه» هیچ اشتراک ماهوی با طرح های امپریالیستی در مورد ایران که هدفی جز تأمین منافع غارتگرانه انحصارهای سرمایه داری و تشدید اسارت مردم ما دنبال نمی کند، ندارد.

**کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است!**

**کمک مالی رسیده**

به یادر رفیق حجرى ۱۰۰۰ مارک

**آدرس ما:**

1- Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany  
2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH JARDOM: No:476**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

**26 March 1996**

**شماره فاکس و تلفن پیام گیر ما**

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

**حساب بانکی ما:**

IRAN e.V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner بانک  
Sparkasse